

بسمه تعالی

بصورت کیفی (تحقق یا عدم تحقق)
یا (درجه بندی) یا (نماد گذاری) یا
(درصد) یا

نام:

نام خانوادگی: کاربرگه نگارش پایه ی ششم تعداد صفحه: صفحه

میزان تحقق سنجه ها

دانش زبانی (۲۰٪ وزن سئوالات)

• به جای واژگان مشخص شده، واژه های دیگری قرار دهید و جمله ها را بازنویسی کنید.
الف) هیچ چیز نمی تواند اثر محبت را از بین ببرد.

.....

ب) بپرسیم و از هیچ چیز نهراسیم.

.....

پ) هر کسی شخصیت خود را در رفتار و عمل خویش نمایان می کند.

.....

• معنی کلمات زیر را بنویسید.

آوخ:

آذرگشسب:

منظور از بیت « کم گوی و گزیده گوی چون در تا ز اندک تو جهان شود پر » چیست؟

.....

مفهوم بیت « فجر تا سینه ی آفاق شکافت چشم بیدار علی خفته نیافت » چیست؟

.....

بیت زیر را به نثر ساده باز نویسی کنید.

خروشید و جوشید و برکنند خاک ز شمش زمین شده هم، چاک چاک

عبارتهای زیر را مانند نمونه، به نثر ساده ی امروز، برگردانید

نثر ساده ی امروز	نثر کهن
من نخستین فردی باشم که به او ایمان آورم.	نخست کسی، من باشم که بدو گروم.
	نیکویی گوید و زینهار بدی نکنید.
	راست گفتن، پیشه کنید.

مانند نمونه واژه های زیر را در جدول قرار دهید.

کلمه — فضلا — کتاب — کلمات — فاضل — کُتُب — فصل — متن — فصول

کلمات

کلمه

.....

.....

.....

.....

.....

.....

هم خانواده کلمات زیر را بنویسید و سه حرف مشترک واژه های هر گروه را بنویسید.

هلاک

مقصود

علم

فکر

حافظ

تحصیل

عزت

در عبارات و آیات زیر منادا و حرف ندا را مشخص کنید.

ای وطن، همچو باران بهاری

سعدیا، مرد نکونام، نمیرد هرگز

یارب، نکن از لطف، پریشان ما را

خدای کعبه، ای یکتا

نوع جمله های زیر را مشخص کنید. (خبری، عاطفی، سوالی، امری، شبه جمله)

زیر درخت را نگاه کن

برای سربلندی میهن عزیزمان چه کارهایی باید انجام دهیم

امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد

خدایا تو معرکه ای

دریغ

پس اعتدال نگاه باید داشت

بار الها

گشاده است بر ما، در راستی

میزان تحقق سنجه ها	دانش ادبی (۲۰٪ وزن سئوالات)
	<p>کدام یک از شعرهای زیر مثنوی است؟ دلیل بیاورید.</p> <p>.....</p> <p>الف) باد بهاری وزید از طرف مرغزار باز به کردون رسید، ناله‌ی هر مرغ زار خیز و غنیمت شمار، جنبش باد ربیع ناله‌ی موزون مرغ، بوی خوش لاله زار</p> <p>ب) ز بهر نیایش، سرو تن بشتت یکی پاک جای پرستش بخت از آن پس نهاد از بر خاک، سر چنین گفت: گای داویر دادگر! ز هر بد، تویی بندگان را پناه تو دادی مرا، گردی و دستگاه</p>
	<ul style="list-style-type: none"> • در هر یک از جمله های زیر «شهادت» به چه چیزی تشبیه شده است؟ الف) شهدا خورشیدند. ب) چون چراغی است که در خانه ما می سوزد. • کلمه های زیر را به چیزهای مناسب، تشبیه کنید و در جمله ای به کار ببرید. مادر مثل گل مانند کوه چون ایران همانند • جمله های زیر را کامل کنید. شهدا همیشه شهدا همچون شهدا چون کوه های • با استفاده از جانبخشی، برای هر یک از کلمه های زیر یک جمله بنویسید. چمنزار: باغچه: زبان سبز:
	<ul style="list-style-type: none"> • یک نمونه مبالغه که در صحبت هایتان به کار می برید، بنویسید. • چه آرایه ای در بیت های زیر وجود دارد؟ توضیح دهید. خروشید و جوشید و برکند خاک ز سمش زمین شد همه چاک چاک در این بیت، شاعر بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود خون از برش در این بیت، شاعر

- معنای دور و معنای نزدیک کنایه ی زیر را بنویسید.

آب در هاون کوبیدن

معنای نزدیک معنای دور

- معنای دور و معنای نزدیک کنایه ی زیر را بنویسید.

به تنگ آمدن

معنای نزدیک معنای دور

- معنای دور و معنای نزدیک کنایه ی زیر را بنویسید.

در خانه ی او همیشه باز است

معنای نزدیک معنای دور

- واژه های متضاد را در ابیات و عبارات های زیر بیابید.

الف) سخن در میان دو دشمن، چنان گوی که اگر دوست گردند، شرم زده نشوی. (سعدی)
ب) موج زخود رفته ای، تیز خرامید و گفت: هستم اگر میروم، گر نروم نیستم. (اقبال لاهوری)

میزان تحقق سنجه ها

درک متن (۳۰٪ وزن سئوالات)

متن زیر را با « که، و، اگرچه، اما، ولی » کامل کنید.

در زمان های قدیم، یک گرگ و یک روباه با یکدیگر دوست بودند. گرگ در یک روز سرد زمستانی، هنگامی که برف سنگینی باریده بود، برای پیدا کردن غذا بیرون رفت. همین طور که دنبال غذا می گشت، به کوهی رسید..... در آنجا روباه را دید..... به کوه تکیه داده بود. گرگ گفت: « سلام روباه ای کاش تو هم با من به شکار می آمدی!..... من همه جا را گشته ام؛ ولی چیزی پیدا نکرده ام». روباه با لحن دوستانه ای گفت: « متاسفم دوست عزیز! می خواهم به تو کمک کنم، باید این کوه را ننگ دارم. اگر تو این کوه را ننگ داری، من می روم و برای تو و خودم شام خوبی می آورم». سپس روباه به سمت گرگ پرید..... گرگ هم به سمت کوه. ساعت ها گذشت..... روباه برگشت..... دست و پشت گرگ خسته شده بود؛ اما صبر کرد. بعد از مدتی فهمید که روباه بر نخواهد گشت.

حال با توجه به متن به سئوالات زیر پاسخ دهید:

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟

- پیام متن چیست؟

• جاهای خالی را با «اما، ولی، بنابراین، و» کامل کنید.

چند وقت پیش داستانی درباره ی خیر و شر خواندم. اینکه سالها پیش خیر و شر برای شنا کردن به دریا رفتند..... شر زودتر از آب بیرون آمده..... لباسهای خیر را پوشید..... خیر هم برای اینکه برهنه نماند، مجبور شد لباسهای شر را بپوشد و حالا سالهاست که آدم ها خیر و شر را اشتباه می گیرند.

حال با توجه به متن به سئولات زیر پاسخ دهید:

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟
- چرا مردم شر و خیر را اشتباه می گیرند؟

• جمله های زیر را با دقت بخوانید و به ترتیب درست، شماره گذاری کنید.

مرد نگاهی به نانوا انداخت و گفت: «نان نیست، جان است برادر!»

مرد گرسنه با دست نانی را نوازش کرد و گفت: «ای مرد، چقدر می گیری که مرا از این نان ها سیر کنی؟»

روزی روزگاری مردی خسته و مانده، تشنه و گرسنه به شهری رسید.

این شد که گفت: «سکه ای بده و هر چه که می خواهی از این نان ها بخور!»

«چه می خواهی مرد؟ اینها که می بینی نان است، نه چیز دیگر!»

نانوا لبخندی زد و گفت: «سکه ای بده و نان بخور و بخور. نوش جان!»

او با دیدن نان های تازه آب دهانش سرازیر شد.

طوری حرف می زنی که گویی سال هاست نان ندیده ای.

نانوا به او خیره شد و با خودش گفت: «این مرد هر چه پر خور و گرسنه باشد، بیشتر از چند نان نمی تواند بخورد».

روزهاست که نان ندیده ام؛ ولی نان های تو از آن نان ها است که خوردن دارد.

از آنجا که خیلی گرسنه بود، جلوی دکان نانوا پی ایستاد.

مرد با خوشحالی سکه ای به نانوا داد و شروع به خوردن کرد.

نانوا که مرد گرسنه را دید، پرسید:

حال با توجه به متن به سئولات زیر پاسخ دهید:

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟

آن سوی جنگل ها، روستای کوچکی بود. در آنجا رسم بود که افراد پیر و ازکار افتاده را در خانه‌ی دور افتاده‌ای نگهداری کنند.

در این روستا، دهقان جوانی با پدر پیر و پسر کوچکش زندگی می‌کرد. پدر او دیگر نمی‌توانست کار کند. دهقان جوان تصمیم گرفت او را به آن خانه ببرد.

فردای آن روز، پدرش را سوار گاری کرد و به راه افتاد. وقتی که به آنجا رسیدند، مقداری آب و غذا برای او گذاشت و برگشت. در راه به یاد پیری خودش افتاد و گفت: «انصاف نیست؛ یک روز ممکن است پسر من همین بلا را سر من بیاورد». دهقان جوان برگشت و پدر را با خود به خانه آورد و او را در زیر زمین خانه‌اش پنهان کرد.

پس از مدتی بیشتر مردم روستا بیمار شدند. وقتی پیر مرد خبر را شنید، گفت: «بیماری به خاطر آب آلوده است. به سرچشمه بروید و راه آب را عوض کنید». دهقان جوان حرف‌های پدر را به مردم گفت. آنها مسیر آب را تغییر دادند و سلامتی به روستا بازگشت. مدتی گذشت. فصل کاشت فرا رسید. پدر پیر به پسرش گفت: «اگر امسال مردم به جای گندم دژت بکارند، سال بعد زمین دوباره قوت پیدا می‌کند و محصول گندم زیاد می‌شود».

مردم همان کاری را کردند که پیر مرد گفته بود. سال بعد آسیاب‌ها پر از دانه‌های گندم شدند. مردم روستا جشن گرفتند و به خانه‌ی دهقان آمدند و گفتند: «تو خیر مردم روستا را از همه بهتر می‌دانی پس کدخدای ما هستی». دهقان گفت: «اما من کاری نکرده‌ام، این فکر پدرم بود». مردم با تعجب گفتند: «مگر او را به آن خانه نبرده‌ای؟»

دهقان جوان ماجرا را تعریف کرد و گفت: «درست است که پدرم ازکار افتاده است؛ اما چیزهای زیادی می‌داند». از آن روز مردم تصمیم گرفتند که پیرمردها و پیرزن‌ها را پیش خود نگه دارند.

با توجه به متن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟
- در سطر اول کلمه‌ی «آنجا» به چه چیزی اشاره می‌کند؟
- کلمه‌ی «او» به چه کسی یا چه چیزی اشاره می‌کند؟
- کلمه‌ی «تو» به چه کسی یا چه چیزی اشاره می‌کند؟
- در بند سوم کلمه‌ی «آنجا» به چه چیزی اشاره می‌کند؟

• متن زیر را بخوانید.

سالهای بسیار دور پادشاهی زندگی می کرد که وزیری داشت که همواره می گفت: هر اتفاقی که رخ می دهد به صلاح ماست. روزی پادشاه برای پوست کندن میوه کارد تیزی طلب کرد، اما در حین بریدن میوه، انگشتش را برید. وزیر که آنجا بود، گفت: نگران نباشید، تمام چیزهایی که رخ می دهد در جهت خیر و صلاح شماست.

پادشاه از این سخن وزیر برآشفته و از رفتار او در برابر این اتفاق آزرده خاطر شد و دستور زندانی کردن وزیر را داد. چند روز بعد پادشاه با همراهانش برای شکار به نزدیکی جنگلی رفتند. پادشاه در حالی که مشغول اسب سواری بود، راه را گم کرد و وارد جنگل انبوهی شد و از همراهان خود دور افتاد. در حالی که پادشاه به دنبال راه بازگشت بود، به محل سکونت قبیله ای رسید که مردم آن در حال تدارک مراسم قربانی برای خدایانشان بودند. زمانی که مردم قبیله، پادشاه را دیدند، خوشحال شدند، زیرا تصور کردند بهترین قربانی برای تقدیم به خدای آنهاست!

آنگاه پادشاه را در برابر تندیس الهه خود بستند تا وی را بکشند، اما ناگهان یکی از مردان قبیله فریاد زد: «چگونه می توانید این مرد را برای قربانی کردن انتخاب کنید در حالی که وی بدنی ناقص دارد. به انگشت او نگاه کنید!» به همین دلیل او را قربانی نکردند و آزاد شد.

پادشاه که به قصر برگشت، وزیر را فراخواند و گفت: اکنون فهمیدم منظور تو از این که می گفتی "هر چه رخ می دهد به صلاح شماست"، چه بود، زیرا بریده شدن انگشتم موجب شد زندگی ام نجات یابد. اما در مورد تو چی؟ تو به زندان افتادی این امر چه خیر و صلاحی برای تو داشت؟! وزیر پاسخ داد: اگر من زندان نمی افتادم، مانند همیشه در جنگل به همراه شما بودم. در آنجا زمانی که مردم قبیله شما را قربانی نکردند، مرا برای قربانی کردن انتخاب می کردند.

با توجه به متن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟
- خیر زندانی شدن وزیر برای او چه بود؟
- خلاصه داستان را در چند سطر بنویسید.

• مفهوم «تا» را در هر یک از جمله های زیر، بنویسید. (فاصله ی زمانی و مکانی - وقتی که، زمانی

که و همین که، برای اینکه - واحد شمارش)

➤ آنها دام و تله می گذارند تا تو را در دام بیندازند.

➤ می خواهم به مهدی کمک کنم تا درس هایش را بهتر یاد بگیرد.

➤ از شام تا سحر بیدار بود.

➤ تا کنون چند تا کتاب خوانده ای؟

➤ تا شام، نیفتاد صدای تبر از گوش.

<p>• واژه ی اگر معمولاً مفهوم شرط و تردید را بیان می کند . مفهوم «اگر» را در هر یک از جمله های زیر، بنویسید.</p> <p>➤ بی شک دریاقلی اگر در آن شب سرنوشت ساز، دچار ترس و تردید می شد و اگر تنها به نجات خود و خانواده اش می اندیشید یا اگر اندکی کوتاهی می کرد؛ خدا می دانست چه اتفاقات ناگواری می افتاد.</p> <p>➤ موفق می شوی، اگر تلاش کنی.</p>	<p>عبارت زیر را با جمله ای کوتاه تر، بیان کنید.</p> <p>الف) من هم مانند شما موجودی زنده هستم و زندگی من، فراز و فرودها و داستانی طولانی دارد.</p> <p>ب) سحرگاهان خورشید از پشت افق، یعنی آنجا که دریا به آسمان می پیوندد، پدیدار می شود و چهره ی خود را به جهانیان نشان می دهد.</p>
<p>نگارش و کارگاه نویسندگی (۳۰٪ وزن سئوالات)</p>	<p>میزان تحقق سنجه ها</p>
<p>متن زیر را بخوانید و هر جایی که لازم است، در آن از نشانه های « . ، ، ؟ ! » استفاده کنید.</p> <p>یک روز غروب وقتی دهقان از مزرعه به خانه بر میگشت از لانه ی غازها صدایی شنید دهقان از جا پرید و گفت « چه صدای عجیب حتماً روباه است » سپس به طرف لانه ی غازها دوید روباه را از لانه ی غازها بیرون کرد در را که باز کرد گفت « دختر خوبم روباه می گوید امروز صبح که غازها را به چرا می بردی شال زیبایی سر کرده بودی یا شالت را می دهی یا همه ی غازها را می برم » دخترک با ناراحتی گفت « مگر روباه هم شال سر می کند » دهقان گفت « من نمیدانم »</p>	
<p>مفهوم ضرب المثل های زیر را در یک بند توضیح دهید.</p> <ul style="list-style-type: none"> ➤ به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی است ➤ این دغل دوستان که می بینی، مگس اند گرد شیرینی ➤ مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد ➤ تا پول داری رفیقم، قربان بند کیفتم ➤ تو نیکی میکن و در دجله انداز... ➤ کار نیکو کردن از پر کردن است ➤ هر که بامش بیش، برفش بیشتر ➤ با دوستان بساز و بر دشمنان بتاز ➤ نوشدارو بعد از مرگ سهراب 	

دشمن دانا بلندت میکند بر زمینت می زند نادان دوست
از تو حرکت، از خدا برکت
شکر نعمت، نعمت افزون کند
کبوتر با کبوتر باز با باز، کند هم جنس با هم جنس پرواز

در مورد یکی از دو موضوع زیر دو بند بنویسید.
مشورت کردن چه فایده هایی دارد و با چه کسانی باید مشورت کرد؟
بهار و زیبایی های آن را با کلامی زیبا توصیف کنید.
وطن خود را توصیف کنید
.....

باز خورد کلی و اعلام وضعیت کیفی دانش آموز:

پیاموز | Biamoz.com

بزرگترین مرجع آموزشی و نمونه سوالات درسی تمامی مقاطع

شامل انواع | نمونه سوالات | فصل به فصل | پایان ترم | جزوه |

ویدئوهای آموزشی | گام به گام | طرح درس | طرح جابر | و ...

اینستاگرام

گروه تلگرام

کانال تلگرام

برای ورود به هر پایه در سایت ما روی اسم آن کلیک کنید

دبستان

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
-----	-----	-----	-------	------	-----

متوسطه اول

هفتم	هشتم	نهم
------	------	-----

متوسطه دوم

دهم	یازدهم	دوازدهم
-----	--------	---------